

A comparative study of bystander intervention in Iranian and American law

Seyede Saedeh Hosseini | PhD in criminal law and criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Seyed Mahdi Seyedzade Sani* | Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abdolreza Javanjafari | Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

Helping at-risk people is one of the most important ethical norms that has always been emphasized as a vital factor in maintaining and strengthening solidarity in societies. But since the mere existence of a moral duty cannot be a requirement for individuals to engage in philanthropic behavior, it is necessary for criminal policymakers to develop ethical behaviors in order to develop this culture and encourage individuals to adopt socially acceptable behaviors. To this end the legislature of the Islamic Republic of Iran and many European countries have criminalized the non-intervention of people in emergency situations and have thus emphasized this moral value. However, in the American legal system with the exception of a few states, due to the overriding of individualistic values over ethical values, no statutory general duty to assist at-risk individuals has been foreseen. And criminal policymakers can only punish the special observer if there is a specific duty to prove the causal relationship between the abandonment of the act and the criminal outcome.


Keywords: General Bystander, Special Bystander, Legal Obligation, Moral Obligation, Criminal Liability.

* Corresponding Author: seidzadeh@ferdowsi.um.ac.ir


How to Cite: Hosseini, S. S., Seyedzadeh sani, S. M., & Javanjafari, A. (2022). A comparative study of bystander intervention in Iranian and American law. *Journal of Criminal Law Research*, 10(39), 71-100. doi: 10.22054/jclr.2022.55767.2225.

بررسی تطبیقی مداخله ناظران در حقوق ایران و آمریکا


دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

سیده ساعده حسینی 

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

سیدمهدی سیدزاده ثانی *

استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

عبدالرضا جوان جعفری 

چکیده

کمک به افراد در معرض خطر یکی از مهم‌ترین هنجارهای اخلاقی محسوب می‌شود که به عنوان یک عامل حیاتی برای حفظ و تقویت همبستگی در جوامع، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. اما از آنجا که صرف وجود یک وظیفه اخلاقی نمی‌تواند الزامی برای افراد جهت اقدام به رفتارهای نوع‌دوستانه باشد، لازم است سیاستگذاران جنایی به منظور گسترش این فرهنگ و ترغیب افراد به انجام رفتارهای مقبول اجتماعی، حمایت کیفری لازم از این قاعده اخلاقی را در قالب قوانین جزائی به عمل آورند تا از این رهگذر، گامی مهم جهت تأمین منافع و امنیت اجتماعی بردارند. در راستای این اهداف، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، عدم مداخله افراد در وضعیت‌های اضطراری را در گستره قوانین کیفری جرم‌انگاری نموده و بر این ارزش اخلاقی تأکید کرده است. این در حالی است که در سیستم حقوقی آمریکا به استثناء چند ایالت، به علت غلبه ارزش‌های فردگرایانه بر ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، وظیفه قانونی عام برای کمک به افراد در معرض خطر پیش‌بینی نشده و سیاستگذاران جنایی تنها در صورت وجود وظیفه خاص و اثبات رابطه سببیت، ناظر خاص را مستحق مجازات می‌دانند.

واژگان کلیدی: ناظر عام، ناظر خاص، الزام قانونی، الزام اخلاقی، مسئولیت کیفری.

مقدمه

در شامگاه یکی از شب‌های سال ۱۹۶۴، زنی به نام کاترین کیتی ژنویز در یکی از محلات نیویورک توسط مهاجمی مورد حمله قرار گرفت و پس از تجاوز به قتل رسید. چیزی که جامعه آمریکا را تکان داد این بود که این حمله ۴۰ دقیقه طول کشید و در طول این مدت ۳۸ نفر از همسایگان از پنجره‌های خانه خود شاهد این رخداد وحشتناک بودند، اما هیچکدام اقدامی جهت کمک به این زن بینوا نکردند (Kassin, 2017: 374). انعکاس این ماجرا در رسانه‌های گروهی بسیار تکان‌دهنده بود. اگر این همسایگان مداخله می‌کردند و حداقل ماجرا را به پلیس اطلاع داده بودند، اکنون این زن بینوا زنده می‌بود. این ماجرا توجه جامعه آکادمیک را نیز به خود جلب کرد و پژوهش‌های زیادی در خصوص اهمیت نقش ناظران جهت پیشگیری از جرم انجام شد. در این راستا، روانشناسان اجتماعی عواملی را که موجب ترغیب ناظران به مداخله می‌شوند و بر عکس، عواملی را که سبب می‌شوند ناظران از خود رفع مسئولیت کرده و از مداخله اجتناب نمایند مورد بررسی قرار دادند. این موضوع از دید مسئولیت حقوقی و کیفری ناظر نیز قابل بررسی بود. به این ترتیب، فصل جدیدی در مطالعات آکادمیک حقوق، روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی باز شد که هر یک از زاویه دید خود به این موضوع با عنوان «مداخله ناظران» پرداختند.

مداخله ناظران، به معنای مداخله جهت کمک به فرد نیازمند، توسط شخصی است که در صحنه وقوع جرم حضور دارد ولی در آن دخیل نیست. این مداخله که به صورت مستقیم با مداخله فرد ثالث هنگام ارتکاب جرم و یا به صورت غیرمستقیم با اطلاع به مقامات عدالت کیفری رخ می‌دهد، مانع تحقق جرم یا کاهش صدمات ناشی از آن می‌گردد (فیشر، ۱۳۹۳: ۸۰). مداخله ناظران یکی از مهم‌ترین سازکارهای پیشگیری اجتماعی غیررسمی از جرایم است. توضیح اینکه در فرآیندهای زندگی اجتماعی، بسیاری از رفتارهای مجرمانه در شرایطی رخ می‌دهند که عده‌ای شاهد وقوع آنها هستند. این شاهدان قادر هستند که با مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در روند ارتکاب جرم اختلال نمایند و صدمات وارد بر بزه‌دیده و به

تبع آن صدمات وارد بر جامعه را کاهش دهند. لذا قطعاً بدون مداخله ناظران، بزه‌دیده و جامعه متحمل آسیب‌هایی می‌شوند که جبران آنها نیازمند صرف هزینه‌های سنگین است. از این رو، نهاد مداخله ناظران در پی ایجاد یک هنجار قانونی برای ترغیب افراد به مداخله مؤثر جهت پیشگیری از رفتارهای مجرمانه است. در واقع، مداخله ناظران یک هنجار اخلاقی است که باید جهت نهادینه شدن آن در فرهنگ جوامع، تبدیل به هنجار قانونی گردد و قانون نیز همانند اصول اخلاقی از این ارزش حمایت نماید. زیرا قانون یک منبع مهم در تعیین هنجارها و تشویق به رفتارهای نوع‌دوستانه است و می‌تواند با ایجاد احساس مسئولیت در افراد، این رفتارها را در جامعه افزایش و ارتقا دهد. مهم‌ترین راهبرد برای موفقیت در برنامه‌های پیشگیری از جرم نیز ایجاد احساس مسئولیت در همه افراد است تا بتوانند به صورت پویا در راستای تحقق امنیت و انسجام اجتماعی گام بردارند (Darley, 1986: 65). الزام قانونی افراد به انجام رفتارها و هنجارهای مقبول اجتماعی، موجب همبستگی اجتماعی نیز می‌گردد. زیرا در صورتی که جامعه بخواهد مشوقی برای همکاری و تعاون میان افراد باشد، باید اعمالی را در قالب قوانین جزائی به صورت وظایف معین پیش‌بینی نماید تا بتواند به نتایج مثبت همکاری و جلوگیری از بی‌تفاوتی افراد نسبت به منافع و خواست‌های سایر انسان‌ها نائل گردد (صانعی، ۱۳۷۴: ۲۵۸).

کمک به دیگران به هنگام ضرورت، از مصادیق بارز عمل صالح نیز می‌باشد که در قرآن و روایات زیادی نیز به آن سفارش شده است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده به لزوم کمک به دیگران اشاره کرده است. طبق این آیه شریفه، فردی که جان شخصی را از خطر مرگ نجات دهد، مثل این است که جان همه انسان‌ها را احیا کرده و از مرگ نجات داده است (غفاری، فارسانی، ۱۳۹۴: ۲۷). همچنین، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «من سمع منادياً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛ هر کس بانگ کسی را بشنود که از مسلمانان مددخواهی می‌کند و پاسخش ندهد و به یاری‌اش نشتابد مسلمان نیست». (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) و در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «گام برداشتن مسلمان در راه حاجت مسلمان، بهتر از هفتاد طواف دور خانه خداست»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۲) به این وظیفه اخلاقی مهم تأکید شده است.

در اسلام نیز مداخله ناظران تحت نهاد نهی از منکر به صورت حکم شرعی پذیرفته شده است. طبق این نهاد، مسلمانان باید برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و هنجارشکنی احساس تکلیف شرعی داشته باشند و در پاسداری از هنجارهای جامعه به وظایف شرعی خود عمل کنند. زیرا از نظر دین اسلام افراد جامعه در مقابل یکدیگر مسئول هستند و وظیفه مراقبت و نظارت اجتماعی را بر عهده دارند (لشنی پارسا، ۱۳۸۷: ۵۸).

واژه ناظر در عبارت مداخله ناظران، بر دو مفهوم ناظر عام و ناظر خاص صدق می‌نماید. ناظر در معنای عام اشاره به شخصی دارد که میان او و بزه‌دیده هیچگونه رابطه قانونی، قراردادی یا عرفی وجود ندارد و شخص ناظر کاملاً با بزه‌دیده غریبه یا بیگانه می‌باشد. اما ناظر به معنای خاص، به اشخاصی گفته می‌شود که دارای وظیفه قراردادی، قانونی و عرفی در خصوص حمایت از بزه‌دیده می‌باشند.

جایگاه مداخله ناظران از منظر حقوقی، جرم‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی به صورت جامع در ادبیات انگلیسی مورد بررسی قرار گرفته است. اما ادبیات فارسی در خصوص این مفهوم ضعیف می‌باشد و در حوزه تحقیقات حقوق کیفری ایران، نهاد مداخله ناظران تنها به صورت ضمنی و جزئی تحت مفاهیم سیاست جامعوی مشارکتی، برنامه‌های نظارت همگانی و پیشگیری اجتماعی غیررسمی مورد اشاره قرار گرفته و تاکنون نه تنها به صورت منحصر به فرد از منظر جرم‌شناختی و حقوقی مورد بررسی قرار نگرفته بلکه مطالعه تطبیقی نیز در این خصوص انجام نشده است. بدین جهت، در مقاله حاضر سعی بر آن است که با توجه به اهمیت الزامات قانونی جهت اجرایی شدن این اصل اخلاقی، حدود مسئولیت ناظران و وجوه تشابه و افتراق مسئولیت آنها در دو سیستم حقوقی ایران و آمریکا مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. اما از آنجا که آمریکا دارای ایالت‌های مختلف و به تبع آن قانونگذاری‌های پراکنده می‌باشد، تنها سیاست کیفری چند ایالت که مداخله ناظران (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) را در قلمرو قوانین کیفری به رسمیت شناخته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم ناظر عام در سیاست کیفری ایران و آمریکا

در سیاست کیفری ایران، قانونگذار از رهگذر ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی وظیفه قانونی عام جهت کمک به افراد در معرض خطر را به رسمیت شناخته و همه افراد جامعه را در صورت وجود شرایط مقرر در قانون، ملزم به مداخله در موقعیت‌های اضطراری نموده است. در خصوص این مفهوم، ایالت‌های آمریکا سه رویکرد متفاوت را اتخاذ نموده‌اند: ۱. اکثر ایالات آمریکا وظیفه قانونی عام جهت کمک به افراد در معرض خطر را برای افراد جامعه پیش‌بینی نموده‌اند و معتقدند ناظران در صورت خودداری از کمک به افراد غریبه مورد خطاب حقوق کیفری قرار نمی‌گیرند. ۲. برخی از ایالت‌ها هر دو وظیفه مداخله مستقیم و غیرمستقیم جهت کمک به فرد در معرض خطر را بر عهده تمام افراد جامعه قرار داده‌اند و بدین ترتیب آنان را ملزم به مداخله در موقعیت‌های اضطراری نموده‌اند. ۳. در نهایت، برخی از ایالت‌ها تنها افراد را مکلف به مداخله غیرمستقیم در موقعیت‌های اضطراری نموده‌اند و در خصوص مداخله مستقیم ناظران الزامی ایجاد نکرده‌اند.

۱-۱. ناظر عام در حقوق ایران

ناظر در معنای عام در ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مورد توجه سیاستگذار ایران قرار گرفته است. در این ماده واحده، قانونگذار بر وظیفه اخلاقی همه افراد جامعه جهت کمک به دیگران تأکید نموده و نقض این وظیفه اخلاقی را واجد وصف کیفری دانسته است. در واقع، انسان‌ها بر اساس وجدان، خود را ملزم می‌دانند که در زمان حوادث تا حد امکان به دیگران کمک کنند و زمانی که خود را مواجه با خطر می‌بینند، همین انتظار را نیز از ناحیه دیگران دارند و این یک قاعده اخلاقی است که آنچه را برای خود نمی‌پسندید برای دیگران نیز مپسند (منصوری، ۱۳۸۸: ۶). شعر سعدی که می‌فرماید «اگر بینی که نابینا و چاه است / اگر خاموش بنشینی گناه است» نیز نشان‌دهنده این وظیفه اخلاقی و مسئولیت همه افراد جامعه در قبال یکدیگر می‌باشد (پورباقرانی، ۱۳۸۴: ۳).

قانونگذار در ماده واحده مذکور، مقرر کرده که هر شخصی از افراد جامعه، شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی ببیند و توانایی در کمک فوری به مصدوم جهت

جلوگیری از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن، یا امکان اعلام فوری مراتب به مقامات صلاحیت‌دار را داشته باشد و از کمک به فرد مصدوم خودداری کند، مسئولیت کیفری دارد. البته منوط به اینکه مداخله فرد مستلزم وجود هیچ‌گونه خطری برای فرد یا دیگری نباشد. در این ماده واحده، قانونگذار دو وظیفه مداخله مستقیم و غیرمستقیم جهت کمک به قربانی را بر عهده تمام افراد جامعه قرار داده است. مداخله فرد لزوماً مداخله فیزیکی نیست بلکه می‌تواند به صورت کلامی یا شفاهی هم باشد. آنچه مهم است این است که خطری در جریان وقوع باشد و شخص با وجود توانایی برای جلوگیری از آن، از اقدام به کمک‌رسانی خودداری نماید (یزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

بر اساس ماده مذکور، شرط مقدم و ضروری برای مسئولیت فرد، توانایی وی برای کمک کردن به دیگران است. لذا افرادی که این توانایی را ندارند از مسئولیت کیفری میرا خواهند بود. اما سوال مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که معیار توانایی در ماده مذکور چیست؟ آیا معیار نوعی است و توانایی افراد متعارف جامعه ملاک قرار می‌گیرد یا معیار شخصی است و توانایی‌های شخص ناظر مد نظر قرار داده می‌شود؟ به نظر می‌رسد برای تحقق عملی فرآیند کمک‌رسانی، باید معیار شخصی مد نظر قرار گیرد و توانایی شخص ناظر در نظر گرفته شود و این توانایی هم به لحاظ جسمانی است و هم به لحاظ روانی. یعنی متهم اولاً آمادگی جسمانی لازم برای کمک کردن را داشته باشد و ثانیاً به لحاظ روحی در شرایط مساعد برای کمک باشد. با این تفاسیر، اگر نوع افراد جامعه توانایی کمک نداشته باشند، اما متهم به خاطر توانایی‌های خاصی که دارد این امکان برایش فراهم باشد، در صورت خودداری، مسئولیت خواهد داشت (یزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

پرسش دیگر این است که با وجود لزوم مهارت و تخصص در فرآیند کمک‌رسانی برخی از موقعیت‌های اضطراری، آیا باز هم افراد ملزم به مداخله می‌باشند؟ به عنوان مثال، اگر فردی دچار آسیب جسمی شدیدی شده باشد که کمک به وی نیازمند مهارت خاصی باشد تا منجر به صدمات شدیدتر نگردد، آیا افراد ملزم به مداخله مستقیم می‌باشند؟ و چنانچه در اجرای مفاد این ماده خسارات جانی شدیدتری به مصدوم وارد آمد، آیا فردی که اقدام

به مداخله می‌کند مسئولیت مدنی یا کیفری دارد؟ این مسئله نیز یکی از ابهامات ماده مذکور است که بی‌پاسخ باقی مانده است.

جرم مذکور در ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین جرمی مطلق است. زیرا قانونگذار صرف خودداری از کمک به شخص در معرض خطر را صرف نظر از نتیجه خاصی که ممکن است از ترک فعل ناظر حاصل شود، قابل مجازات دانسته است. اما اگر از ترک فعل شخص نتیجه‌ای خاص حاصل شود، در صورت وجود وظیفه خاص (قانون، قرارداد، عرف) و احراز رابطه سببیت میان نتیجه مجرمانه و ترک فعل، با توجه به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، حسب مورد مجازات جنایت عمد، شبه عمد یا خطای محض نیز بر او بار می‌گردد. همچنین، بیان عام و مطلق قانونگذار مبنی بر «وجود فرد در معرض خطر جانی» بیانگر این امر می‌باشد که لازم نیست «خطر جانی» از ارتکاب جرم حاصل شده باشد، بلکه در سایر وضعیت‌های اضطراری که فرد در معرض خطر جانی قرار دارد نیز این تکلیف بر عهده آحاد افراد جامعه قرار می‌گیرد.

هدف اصلی جرم انگاری عدم مداخله ناظران، جلوگیری از آسیب‌های روحی و جسمی به قربانی یا کاهش این آسیب‌ها است. پیشگیری از آسیب به سایر افراد جامعه یک اصل محدودکننده آزادی است که مطابق آن، افراد در راستای حسن نوع‌دوستی و همدلی و با هدف حمایت از منافع جامعه، آزادی خود را در معرض خطر قرار می‌دهند و با کمک مستقیم به قربانی و یا به طور غیرمستقیم با اطلاع‌رسانی به مقامات عدالت کیفری از وقوع جرم جلوگیری می‌نمایند یا صدمات ناشی از آن را به حداقل می‌رسانند (Bagby, 2000: 580). همچنین، کمک به سیستم عدالت کیفری با مطلع کردن پلیس و سایر مقامات قضایی، یک وظیفه مدنی است که در جهت اجرای قانون بر عهده افراد جامعه قرار می‌گیرد. زیرا همه شهروندان مسئول حفظ نظام عدالت کیفری هستند و اطلاع‌رسانی به مقامات قضایی برای نظام عدالت کیفری امری حیاتی می‌باشد. بدین علت که ناظران با اطلاع به مقامات قضایی در جهت اجرای قانون خدمت خواهند کرد و با انجام این وظیفه، نظام عدالت کیفری قادر است به اهداف خود در جهت کمک به بزه‌دیدگان و متوقف کردن فعالیت‌های مجرمانه دست یابد.

لذا تحمیل وظیفه بر ناظران جهت کمک به افراد نیازمند و پیش‌بینی مسئولیت کیفری یا مدنی در صورت عدم انجام این وظیفه، موجب جلوگیری از رفتارهای ضد اجتماعی و تأمین امنیت اجتماعی و فردی خواهد شد. اما جرم‌انگاری عدم مداخله به تنهایی موجب ترغیب افراد به مداخله در موقعیت‌های اضطراری نمی‌شود. زیرا مداخله فعال و ایمن هر فرد مستلزم آموزش مناسب و کسب مهارت لازم در این خصوص نیز می‌باشد (Swan, 2015: 73). در این راستا لازم است در کنار تدابیر و سیاست‌های قانونی، به نقش تدابیر آموزشی و فرهنگی جهت افزایش آگاهی و مهارت ناظران نیز توجه گردد.

بنابراین، کمک به دیگران صرفاً یک وظیفه اخلاقی و دینی نیست، بلکه تکلیفی قانونی است که افراد را ترغیب به مداخله مؤثر در وضعیت‌های اضطراری می‌نماید. زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف حقوق جزا، ترغیب افراد به انجام رفتارهای مقبول اجتماعی است. به همین جهت سیاستگذاران جنایی برای ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی، الزام به رفتارهای اخلاقی و اجتماعی را در قوانین جزائی جرم‌انگاری می‌نمایند تا افراد تکالیف خود را در قالب وظیفه قانونی مشخص بدانند و از این رهگذر مانع فردگرایی مردم جامعه شوند (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

۲-۱. ناظر عام در حقوق آمریکا

۱-۲-۱. رویکرد ایالات مخالف جرم‌انگاری

در اکثر ایالات آمریکا سیاستگذاران جنایی از تحمیل تعهد اخلاقی کمک به اشخاص در معرض خطر بر افراد جامعه امتناع نموده و معتقدند اگر ناظر از کمک به فرد غریبه خودداری نماید، رفتار وی فاقد هر گونه وصف کیفری می‌باشد (Bagby, 2000: 574). موافقین این رویکرد، دلایل زیادی را برای عدم جرم‌انگاری وظیفه قانونی عام بیان نموده‌اند. مهم‌تر از همه اینکه معتقدند محور و مبنای اصلی قانون آمریکا، اقدامات فردگرایانه، حفظ ارزش‌های آزادی و استقلال شخصی افراد است و وجود وظیفه بی حد و حصر برای شهروندان جهت کمک به افراد در معرض خطر، دخالت مستقیم در استقلال و آزادی کسانی است که موضوع

چنین وظایفی قرار می‌گیرند. زیرا تمایل به انجام رفتارهای نیک و اخلاقی، امری شخصی و خصوصی در زندگی هر فرد محسوب می‌شود که با جرم‌انگاری آن، این وظیفه اخلاقی به وظیفه قانونی و الزام‌آور برای هر فرد تبدیل می‌شود و همین امر باعث محدود شدن آزادی‌های افراد و تجاوز به حریم خصوصی آنها می‌گردد (Geis, 1983: 405). لذا تصویب قانونی مبنی بر تکلیف افراد برای نجات فرد غریبه هنگامی ضروری است که مزایای نجات قربانی بیشتر از هزینه‌های بالقوه برای نجات‌دهنده باشد؛ در حالی که در جامعه آمریکا که ارزش‌های آزادی و استقلال شخصی افراد از اصول اساسی حاکم بر آن هستند، هزینه متعهد بودن افراد در قبال نجات جان دیگران، بیشتر از فایده نجات جان قربانی است. به همین علت، قاعده عدم وجود وظیفه در جوامع آمریکا قاعده‌ای کارآمد می‌باشد (Grush, 1988: 884).

ضمن اینکه، کارکرد اصلی قوانین کیفری، مجازات مجرمین و پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد نه اجبار یا ترغیب افراد به انجام کارهای خیر و نوع‌دوستانه. البته اگرچه از نظر اجتماعی، تشویق و ترغیب افراد به رفتارهای نوع‌دوستانه امری مطلوب و قابل تحسین است، این امر جزئی از وظایف و کارکردهای سیستم‌های هنجاری مانند دین و اخلاق است و قوانین کیفری در این خصوص تکلیفی بر عهده ندارند (Mccutcheon, 1995: 57).

علاوه بر این، ابهام ذاتی در خصوص حدود و دامنه این مسئولیت، منجر به حدس و گمان درباره مجرمیت اشخاص شده و این امر تهدیدی جدی برای جامعه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، از آنجا که مقنن نمی‌تواند وظیفه نجات دادن را به وضوح و به طرق معقول و قابل اجرا تعریف نماید، این ابهام همیشه وجود دارد که فرد تا چه حد در قبال دیگری مسئول است و تا کجا باید برای نجات جان وی تلاش کند؟ (Husak, 1980: 319). به عنوان مثال، از کسی که فرد غرق شده را از آب بیرون کشیده انتظار می‌رود در صورت نیاز به وی تنفس مصنوعی هم بدهد؛ اما آیا تکلیف دارد او را به نزدیک‌ترین بیمارستان برساند و اگر آن بیمارستان از پذیرش بیمار خودداری کرد آیا ملزم است او را به بیمارستان دیگری برد؟ (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). بر این اساس، کمک به افراد در معرض خطر، رفتاری نوع‌دوستانه و اخلاقی محسوب می‌شود و قانون نباید چنین رفتارهای نوع‌دوستانه‌ای را بر مردم تحمیل کرده و آنها را ملزم به قهرمانی نماید (Spijkers, 2014: 51).

رویه قضایی نیز در پرونده «بوچ» شکافی جدی را بین قانون و اخلاق ایجاد کرده است. در این پرونده پسری هشت ساله به همراه برادر سیزده ساله خود به کارخانه‌ای می‌رود که برادر بزرگترش در آنجا کار می‌کرد. پس از اتمام کار، سرپرست کارگران به پسر می‌گوید که محل کار را ترک کند. اما پسر که زبان انگلیسی را به خوبی نمی‌داند در محل کار می‌ماند و پس از آن دست وی در چرخ‌دنده یک دستگاه گیر می‌کند و معجروح می‌شود. شاکی سرپرست کارگران را به علت سهل‌انگاری مبنی بر عدم اجبار به اخراج پسر پس از مطلع شدن از حضور وی در محل کار، مورد تعقیب قرار داد. در این خصوص دادگاه بیان کرد که با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق آمریکا، در جامعه تنها وظایف قانونی قابل اجرا می‌باشند نه وظایف اخلاقی. بدین جهت، اگرچه افراد از لحاظ اخلاقی ملزم به کمک به هموعان خود هستند، این وظیفه اخلاقی نباید مسئولیتی بر افراد تحمیل کند. لذا متهم زمانی مسئول تلقی می‌شود که یک وظیفه قانونی را بر عهده داشته اما در انجام آن قصور کرده باشد. بنابراین، دادگاه‌ها به تعهدات صرفاً اخلاقی رسیدگی نمی‌کنند (A. 44 (809 (N.H. 1898).

۲-۲-۱. رویکرد ایالات موافق جرم‌انگاری

طرفداران جرم‌انگاری وظیفه قانونی عام معتقدند وجود این وظیفه در قلمرو قوانین کیفری با رویکرد حقوق آمریکا مبتنی بر حمایت از حقوق فردی مغایرتی ندارد و چه بسا می‌تواند از اصول سیاسی و اجتماعی حاکم بر آمریکا نیز حمایت کند (Ridolfi, 2000: 960). زیرا یک طرف، منافع اجتماعی و امنیت جامعه قرار دارند و طرف دیگر، حقوق فردی شهروندان و در تعارض میان این دو منفعت، منافع اجتماعی بر منافع فردی ارجحیت دارند. لذا برای حفظ زندگی اجتماعی، شهروندان باید تا حدی از آزادی‌های خود صرف نظر نمایند. ضمن اینکه، وظیفه عام جهت کمک به افراد در معرض خطر، محدود به ضابطه معقول بودن است. بدین معنی که از شخص نجات‌دهنده انتظار می‌رود آنچه را که در آن شرایط متعارف و معقول است انجام دهد. به همین علت ابهامی در خصوص حدود این مسئولیت نیز باقی نمی‌ماند (کلارکسون، ۱۳۷۴: ۷۱).

در حقیقت، مبنای اساسی تحمیل مسئولیت عام به افراد جامعه، اصول اخلاقی هستند که باید در قانون نمود عینی پیدا نمایند. چراکه عدم انعکاس قواعد اخلاقی در قوانین، حقوق را به مجموعه‌ای از باید و نبایدهای خشک تبدیل می‌کند که می‌تواند در طول زمان موجب بی‌اعتمادی افکار عمومی به حقوق گردد (مهرپور، تفرشی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). همچنین تحمیل مسئولیت جهت کمک به افراد نیازمند، گامی مهم در راستای اجرای عدالت در جامعه است و هر سیستم حقوقی که این وظیفه اخلاقی را اجراء نکند در معرض خطر سقوط قرار می‌گیرد (Freeman, 1994: 1496). زیرا قواعد حقوقی و اخلاقی در رابطه همزیستی با هم قرار دارند و قانون نه تنها منعکس‌کننده ارزش‌های اخلاقی جامعه است، بلکه به شکل‌گیری و نهادینه شدن آنها در جامعه نیز کمک می‌کند. بدین ترتیب که الزام قانونی در خصوص اصول اخلاقی موجب ارتقای آن اصول در جامعه می‌شود و بر همین اساس، وجود وظیفه قانونی برای نجات، موجب افزایش تعداد افرادی می‌شود که از نظر اخلاقی ملزم به ارائه کمک به افراد غریبه در معرض خطر هستند (Silver, 1985: 433). لذا کسی که با ترک فعل خود به دیگری صدمه می‌زند، همانند کسی که با فعل خود به دیگری صدمه وارد می‌کند، باید پاسخگو باشد. زیرا تفصیر افراد برای کمک به فرد در معرض خطر می‌تواند همانند یک رفتار مبتنی بر فعل، سببی جهت ایجاد آسیب به شخص دیگری باشد (Benditt, 1982: 395).

در نظام حقوقی آمریکا پنج ایالت هاوایی، مینه‌سوتا، رودآیلند، ورمونت و ویسکانسین وظیفه عمومی برای کمک به فرد در معرض خطر را تحت شرایطی پیش‌بینی کرده‌اند. در قوانین کیفری هاوایی^۱ مقرر شده است: «هر شخصی که در صحنه جرم باشد و بداند که بزه‌دیده از آسیب جسمی جدی رنج می‌برد، باید جهت کمک به وی اقدامات لازم را انجام دهد یا از نیروهای انتظامی یا پرسنل پزشکی کمک بخواهد. در غیر این صورت مقصر است. البته مشروط به اینکه انجام این عمل برای وی یا دیگران خطری به همراه نداشته باشد». در مینه‌سوتا^۲ نیز چنین مقرر شده: «شخصی که در وضعیت اضطراری حضور دارد و می‌داند

1. (HAW. REV. STAT. ANN. § 663-1.6.).

2. (MINN. STAT. ANN. § 604A.01(1)).

شخص دیگری در معرض آسیب جسمی شدید قرار گرفته یا از آسیب جسمی شدید رنج می‌برد، باید تا حدی که می‌تواند به فرد در معرض خطر به طور معقول و مناسب کمک نماید. کمک‌های معقول شامل اقدام شخص ناظر یا دریافت کمک از نیروی انتظامی یا پرسنل پزشکی می‌باشد. البته مشروط بر اینکه انجام این عمل برای وی و دیگران خطری به همراه نداشته باشد. بر اساس این قانون، هر کس این مقررات را نقض کند، مجرم تلقی شده و تا ۱۰۰ دلار جریمه می‌شود.^۱ قانونگذار رودآیلند^۱ نیز همین رویکرد را اعمال نموده جز اینکه در صورت تقصیر ناظران، مجازات حبس تا شش ماه یا جریمه تا پانصد دلار یا هر دو را برای آنها پیش‌بینی نموده است. طبق مقررات ورمونت^۲ نیز «کسی که می‌داند دیگری در معرض آسیب‌های جسمی شدید قرار دارد، باید تا آنجا که می‌تواند بدون ایجاد خطر برای خود یا بدون دخالت در انجام وظایف مهمی که در مقابل دیگران به عهده دارد، به فرد در معرض خطر کمک معقول را ارائه نماید، مگر اینکه کمک و یا مراقبت توسط دیگران ارائه شود. فردی که این مقررات را نقض کند تا ۱۰۰ دلار جریمه می‌شود». قوانین کیفری ویسکانسین^۳ مسئولیت ناظر عام را به صورت محدودتر پذیرفته و بیان کرده «هر شخصی که بداند جرمی رخ داده و بزه‌دیده در معرض آسیب جسمی شدید است، باید مقامات اجرای قانون را احضار کند یا به بزه‌دیده کمک کند؛ مگر اینکه: ۱. این اقدام برای او خطری به همراه داشته باشد یا ۲. با وظایفی که در مقابل دیگران برعهده دارد تداخل داشته باشد و یا ۳. کمک توسط دیگران ارائه شود».

بر این اساس، مطابق قوانین رودآیلند، مینه‌سوتا و ورمونت ناظر زمانی دارای مسئولیت کیفری است که شخصی در معرض خطر جسمی شدید باشد یا از آسیب جسمی شدید رنج ببرد و ناظر نیز بر این امر آگاه باشد. خواه این آسیب جسمی ناشی از جرم باشد یا از حوادث غیرجنایی حاصل شده باشد. اما هاوایی و ویسکانسین، در این خصوص رویکرد مغایری را اتخاذ نموده‌اند و معتقدند شخص ناظر زمانی مسئولیت کمک به قربانی را برعهده دارد که

1. (R.I. GEN. LAws § 11-56-1.).

2. (VT. STAT. ANN. tit. 12, § 519 (a).).

3. (Wis. STAT. ANN. § 940.34.).

خطر از ارتکاب جرم ناشی شده باشد. بنابراین، خطرات ناشی از حادثه یا آسیب‌های غیرجنایی نمی‌تواند این مسئولیت را بر ناظر تحمیل نماید (Schiff, 2005: 103). همچنین، رودآیلند، هاوایی، ویسکانسین و مینه‌سوتا، وظیفه نجات را فقط به افرادی که «در وضعیت اضطراری یا مجرمانه» حضور دارند تحمیل می‌کنند؛ در حالی که ورمونت وظیفه را بر عهده افرادی قرار می‌دهد که می‌دانند شخصی در معرض خطر است، صرف نظر از اینکه در وضعیت اضطراری حضور داشته باشند یا خیر. علاوه بر این، مطابق قانون ویسکانسین و ورمونت، اقدام یکی از ناظران جهت کمک به فرد در معرض خطر، سایر ناظران را از مسئولیت معاف می‌کند. اما اگر این کمک جهت نجات شخص ناکافی باشد، مسئولیت بر عهده دیگران همچنان باقی می‌ماند. در نهایت، مطابق رویکرد قوانین هر پنج ایالت، اگر کمک به دیگری برای فرد و دیگران خطری به همراه داشته باشد، این وظیفه عام قانونی به حالت تعلیق درمی‌آید.

بنابراین در این ایالت‌ها نیز جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر همانند حقوق ایران جرمی عمدی و مطلق تلقی می‌گردد. بدین معنی که صرف ترک فعل عامدانه فرد از اقدام به نجات شخص در معرض خطر فارغ از هر نتیجه‌ای که ممکن است از این ترک فعل حادث شود، مسئولیت را بر دوش ناظر مستقر می‌نماید. اما در مقام مقایسه می‌توان بیان کرد که در خصوص حدود مسئولیت ناظر عام، حقوق ایران رویکرد گسترده‌تری را نسبت به حقوق ایالات آمریکا اتخاذ نموده است. مطابق حقوق ایران، ناظر عام زمانی مسئولیت دارد که فردی را در معرض خطر جانی ببیند و با وجود توانایی برای کمک به وی یا امکان اعلام مراتب به مقامات صلاحیت‌دار از انجام این امر امتناع ورزد. البته منوط به اینکه مداخله فرد مستلزم وجود هیچ‌گونه خطری برای وی یا دیگری نباشد. لذا مطابق حقوق ایران، مسئولیت ناظر در صورت مواجه شدن با وضعیت اضطراری، مطلق و عام است. زیرا مبنای مسئولیت کیفری ناظران در حقوق ایران وجود «فرد در معرض خطر جانی» می‌باشد و ناظران هر فردی را در معرض خطر جانی اعم از خطر شدید یا خفیف و جزئی مشاهده نمایند، ملزم به انجام اقدامات لازم جهت کمک به وی می‌باشند و در غیر این صورت مسئول تلقی می‌گردند. در حالی که در قوانین ایالات آمریکا مبنای مسئولیت ناظر شدید بودن آسیب

جسمی به قربانی می‌باشد و ناظر صرفاً زمانی مسئول تلقی می‌گردد که از کمک به فرد در معرض خطر «آسیب جسمی شدید» امتناع نماید.

در مقابل این ایالات، ایالاتی قرار دارند که مسئولیت شخص ناظر را تنها محدود به اعلام جرم به مقامات قضایی نموده‌اند که در این میان می‌توان به قوانین کلرادو، فلوریدا، کالیفرنیا، نوادا، ماساچوست و واشنگتن اشاره نمود. این قوانین در دو نوع مجزا قرار دارند: قوانینی که افراد را ملزم به گزارش کلیه جرایم می‌کنند مثل نوادا، هاوایی، کلرادو،^۱ و قوانینی که افراد را تنها ملزم به گزارش جرایم خاصی می‌کنند. مثل واشنگتن، فلوریدا، رودآیلند و ماساچوست که مقرر می‌دارند: «هر کس بداند که شخص دیگری بزه‌دیده تجاوز، قتل عمد یا سرقت مسلحانه شده است و در صحنه جرم حضور دارد، باید جرم را به مقامات قضایی اطلاع دهد، بدون اینکه انجام این عمل برای وی یا دیگران خطری به همراه داشته باشد. هر فردی که از این مقررات تخلف کند به ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار جریمه نقدی محکوم می‌شود».

رودآیلند مجازات شدیدتری را برای عدم مداخله غیرمستقیم ناظر پیش‌بینی نموده است. مطابق قانون این ایالت، اگر ناظر در صحنه جرم باشد و بداند که فردی بزه‌دیده تجاوز جنسی، قتل عمد یا سرقت مسلحانه شده است، باید جرم را به مقامات قضایی گزارش کند. در صورت تخلف از این مقررات، به حبس تا شش ماه یا جریمه ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دلاری محکوم می‌شود.^۲ در فلوریدا افرادی که از گزارش جرایم جنسی به مقامات قضایی امتناع نمایند تا یک سال به حبس محکوم می‌شوند.^۳ بنابراین، ایالت‌هایی که افراد را تنها ملزم به مداخله غیرمستقیم جهت گزارش جرایم خاص نموده‌اند نسبت به ایالاتی که افراد را ملزم به مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با رفتارهای مجرمانه می‌کنند، مجازات‌های سنگین‌تری را برای ناظران پیش‌بینی کرده‌اند.

1. (COLO. REV. STAT. ANN. § 18-8-115 (West 1994).

2. R.I. GEN. LAWS §§ 11-1-5.1; 11-37-3.1.

3. FLA. STAT. ANN. § 794.027.

البته تمام این رویکردها با انتقاد روبه‌رو هستند و با فلسفه نهاد مداخله‌ناظران مغایر هستند. چراکه مطابق این نهاد، مسئولیت افراد برای کمک به افراد نیازمند کمک تنها محدود به معیار وجود خطر آسیب جسمی نمی‌باشد بلکه افراد باید در تمام مواردی که شخصی چه از لحاظ روحی و چه از لحاظ جسمی نیازمند کمک می‌باشد مداخله نماید. این نهاد افراد را حتی در موارد اذیت و آزارهای خیابانی یا محل کار و دانشگاه نیز ملزم به مداخله می‌کند، لذا در راستای تحقق اهداف مداخله‌ناظران در جهت ارتقا سلامت و امنیت جامعه، سیاستگذاران بایستی عدم مداخله افراد را در تمام موقعیت‌هایی که شخص نیازمند کمک است جرم‌انگاری نمایند. اگرچه به ظاهر این جرم‌انگاری ممکن است در مغایرت با حقوق و آزادی‌های فردی باشد، در واقع جرم‌انگاری این رفتار راهی برای تأمین امنیت اجتماعی و فردی افراد است. زیرا این مداخله مبتنی بر تقابل و تعامل است، چراکه ممکن است همه افراد روزی در شرایط اضطراری قرار گیرند و نیازمند کمک از سوی دیگران باشد.

۲. مفهوم ناظر خاص در سیاست کیفری ایران و آمریکا

در خصوص ناظر خاص، ایالات آمریکا رویکرد واحدی را اتخاذ نموده‌اند و در صورت وجود رابطه سببیت، ناظر را به علت کوتاهی در انجام وظیفه‌ای که بر اساس مبانی مختلف بر عهده وی قرار گرفته واجد شرایط مسئولیت کیفری می‌دانند. در حقوق ایران نیز قانونگذار در صورت اثبات وظیفه خاص و رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه، ناظر خاص را مستحق مجازات دانسته است. *گروه پژوهشی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱-۲. ناظر خاص در حقوق ایران

ناظر در معنای خاص به اشخاصی گفته می‌شود که دارای وظیفه قراردادی و قانونی در خصوص حمایت از بزه‌دیده می‌باشند. ناظر بدین معنی در ماده ۲۹۵ و ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. در تبصره ۱ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی قانونگذار تحت مبحث دفاع از دیگری، به نهاد مداخله‌ناظران اشاره کرده است. مطابق این تبصره، در صورتی که فرد در معرض خطر از نزدیکان دفاع‌کننده باشد یا مسئولیت دفاع از وی بر عهده

او باشد یا قربانی ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک کرده باشد و یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد را نداشته باشد، شخص ناظر جایز است برای دفع خطر فعلی یا قریب الوقوع اقدام به کمک‌رسانی نماید و اگر در این راستا صدمه‌ای را به شخص مهاجم وارد کند، با رعایت شرایط دفاع مشروع مسئول تلقی نمی‌گردد. در این ماده، قانونگذار به طور خاص، وظیفه قانونی برای نجات افراد در معرض خطر را بر عهده نزدیکان قربانی، کسی که قربانی از او تقاضای کمک کرده و افرادی که شاهد وضعیت اضطراری هستند که در آن قربانی ناتوان از دفاع یا استمداد بوده، قرار داده است. همچنین، در این تبصره به وظیفه قراردادی افرادی که مسئولیت محافظت از قربانی را بر عهده دارند نیز اشاره نموده است.

در خصوص ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی باید بیان کرد که مبنای جرم‌انگاری ماده مذکور این بود که میان حقوقدانان و فقها مدت‌ها این اختلاف نظر وجود داشت که آیا جرایمی مثل قتل که ظهور در فعل دارند و غالباً با افعال مثبتی از قبیل چاقو زدن، ایراد ضربه و غیره رخ می‌دهند با ترک فعل هم محقق می‌شوند یا خیر؟ (فروغی، ۱۳۹۵: ۸۹). قانونگذار در ماده ۲۹۵ بحث ارتکاب از طریق ترک فعل را مقرر کرد و به این اختلافات پایان داد. قانونگذار در ماده مذکور تحت شرایطی نجات جان افراد در معرض خطر را بر عهده دیگران قرار داده و از این جهت گام مهمی در خصوص تدوین مسئولیت مدنی و کیفری تارک فعل برداشته است. زیرا همان‌گونه که انجام فعل در موارد متعارفش تقصیر است، ترک فعلی که انسان متعارف معمولاً انجام می‌دهد نیز تقصیر محسوب می‌شود و به لحاظ حقوقی ایجاد مسئولیت می‌کند (یزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). اما هر نوع خودداری یا حتی ترک محض تقصیر محسوب نمی‌شود. زیرا تحمیل تکلیف به افراد جامعه با آزادی‌های شخصی و فردی آنها مغایر است. به همین جهت باید حدود مسئولیت ناظر مشخص گردد. طبق ماده مذکور، در شرایط وجود تکلیف قانونی و قراردادی به نجات جان افراد در معرض خطر، برقراری رابطه سببیت میان ترک تکلیف و صدمه وارد به قربانی و توانایی فرد برای جلوگیری از بروز نتیجه، می‌توان شخص را مسئول دانست و بر حسب اینکه جرم عمدی، شبه عمدی و یا خطای محض باشد، مجازات را بر او تحمیل نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۳).

سؤال جالبی که حدود مسئولیت ناظر عام و خاص را مشخص می‌سازد آن است که اگر ناجی غریق بعد از تمام شدن پستش برای تفریح به کنار ساحل برود و در همین هنگام شخصی را در حال غرق شدن ببیند و علی‌رغم استطاعت از نجات دادن او خودداری کند، آیا وی مرتکب قتل شده است؟ در این خصوص میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند گرچه ناجی غریق مسئولیت قراردادی خاص برای نجات فرد را در خارج از ساعت اداری ندارد، به لحاظ اخلاقی، شرعی و قانونی مکلف به مداخله و نجات دادن مغروق است. در این خصوص در قسمت قبل مقاله توضیحات بیشتری ارائه شد. خلاصه آنکه ناجی غریق، نه از شأن ناجی غریق بودنش، بلکه به مثابه یک انسان، به صورت اخلاقی موظف به کمک به هم‌نوع است. به لحاظ قانونی نیز، صرف جرم‌انگاری عدم مداخله در قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین، نشان می‌دهد که قانونگذار تکلیف به کمک کردن را فرض دانسته و ترک کمک کردن را جرم‌انگاری کرده است. بنابراین، قطعاً فرد به لحاظ اخلاقی و قانونی موظف به کمک کردن بوده و اگر عمداً کمک ننماید و آن فرد بمیرد وی مسئولیت کیفری دارد. برخی از فقها با همین استدلال، چنین ناظری را قاتل محسوب می‌کنند. به عنوان نمونه، ابن حزم بر این باور است که در این قبیل موارد به علت وظیفه اخلاقی عامی که بر عهده همه افراد وجود دارد، صرف نظر از وظیفه خاصی که ممکن است بر عهده تارک فعل باشد، شخص مسئول است (ابن حزم، ۱۳۵۲: ۵۳).

در مقابل، عده‌ای معتقدند پاسخ این سؤال با توجه به ظاهر ماده ۲۹۵ منفی است؛ چراکه ممکن است گفته شود ناجی غریق وظیفه‌ای برای نجات دادن مغروق در خارج از ساعات کاری ندارد. همچنین ممکن است گفته شود که خودداری از کمک به مصدومین جرم خاصی است که قانونگذار پیش‌بینی کرده و بنابراین نمی‌توان مسئولیت ناشی از قتل را متوجه مرتکب دانست. این استدلال نیز به لحاظ حقوقی صحیح به نظر نمی‌رسد. نمی‌توان گفت چون خودداری از کمک جرم خاص است، پس قتل نخواهد بود. علت آن است که اولاً قانون خودداری از کمک به مصدومین همانگونه که بیان شد، جرمی مطلق است. به دیگر سخن، تحقق این جرم منوط به بروز نتیجه و به عنوان نمونه مردن مصدوم نیست، بلکه همین که فردی در معرض خطر باشد و مرتکب علی‌رغم استطاعت کمک نکند، جرم محقق

خواهد شد و چه بسا که فرد مصدوم به طریق دیگری نجات یابد. از سوی دیگر، صدق یک عنوان مجرمانه، مانع و رادعی در راه صدق عنوان مجرمانه دیگر نیست و قانونگذار در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، تکلیف تعدد معنوی در جرایم تعزیری را مشخص کرده است. در نهایت، گرچه وظیفه قانونی مبنی بر کمک کردن برای ناظر عام و به طور مثال ناجی غریق در خارج از ساعات اداری وجود دارد، این وظیفه قانونی عام برای ایجاد رابطه انتساب عرفی کافی نیست و عرف در اینجا قتل را به ناظر عام منتسب نمی‌کند. از همین رو، به دلیل فقد شرط دوّم (رابطه سببیت)، نمی‌توان قتل را به ناظر عام منتسب دانست. زیرا وی صرفاً از نجات فرد در معرض خطر خودداری کرده و وضعیّت او را نمی‌توان همانند کسی دانست که سر کسی را زیر آب نگاه داشته و او را خفه کرده است.

در خصوص ترک فعل، غالب فقهای امامیه به مثال حبس شخص و منع وی از آب و غذا پرداخته‌اند و شخص حبس‌کننده را قاتل دانسته‌اند یا به مسئولیت صاحب حیوان به دلیل عدم نگهداری و حراست از آن یا مسئولیت ولی طفل یا مربی شنا در قبال غرق شدن اطفالی که برای آموزش به وی سپرده شده اشاره کرده‌اند که در همه این موارد نوعی وظیفه اقدام وجود داشته است. لذا در صورت فقدان چنین وظیفه‌ای معتقدند صرف ترک فعل هرچند که از لحاظ اخلاقی مذموم و ناپسند باشد، موجب مسئولیت شخص نمی‌شود. مشهور فقها چنین باوری را دارند. به عنوان نمونه، صاحب جواهر ضمان شخص را در این موارد به علت فقدان رابطه سببیت میان ترک فعل شخص و نتیجه مجرمانه نمی‌پذیرد و بیان می‌کند که در این موارد فقط فرد مرتکب گناه شده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵۳). علامه حلی نیز معتقد است هرگاه کسی انسانی را در معرض خطر مهلک مشاهده کند و با وجود توانایی او را نجات ندهد، ضمانی بر عهده ندارد (حلی، ۱۳۵۲: ۲۶۶).

رویه معمول در دادگاه‌های بسیاری از کشورها نیز همین است که صرفاً در صورتی می‌توان فرد را مسئول دانست و مجازات کرد که فرد موظف به کمک به دیگری بوده باشد. به عنوان مثال، قانون جزای نمونه، «هیچ کس را برای ترک فعل قابل تعقیب نمی‌داند، مگر آنکه به لحاظ قانونی موظف بوده کار ترک شده را انجام دهد». البته منظور از لفظ «قانون» در این ماده حقوق موضوعه نیست، بلکه حقوق عرفی است (فلچر، ۱۳۸۴: ۹۷). از این رو،

مطابق حقوق فرانسه، آلمان و برخی از ایالات آمریکا، صرف ترک فعل موجب انتساب نتیجه حاصله به تارک فعل و در نتیجه مسئولیت کیفری وی نمی‌گردد، بلکه صرفاً موجب می‌شود که مرتکب به دلیل عدم کمک به شخص در معرض خطر، به ارتکاب جرم خاص عدم کمک به اشخاص نیازمند محکوم گردد. علت قاتل ندانستن تارک فعل این است که یکی از شرایط مهم مسئولیت کیفری، یعنی رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه حاصله وجود ندارد؛ چراکه در مورد سؤال مذکور، مرگ انسان غرق شده در نتیجه افتادن وی در دریا رخ داده است، نه به علت نجات ندادن وی. به بیان دیگر، ناظر در این فرض، تنها مانع مرگ شخص نشده است، در حالی که برای مسئول دانستن شخص، وی باید باعث مرگ قربانی شده باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۲۹).

بر این اساس، وظیفه عام قانونی مبنی بر کمک به افراد در معرض خطر، برای ایجاد مسئولیت و انتساب نتیجه مجرمانه به شخص تارک فعل کافی نیست و به همین جهت این وظیفه باید خاص شود. منشأ ایجاد وظیفه خاص می‌تواند قانون، قرارداد (مانند پزشکان و ناجیان غریق)، وجود رابطه خاص (مانند رابطه والدین و فرزندان، زن و شوهر، کاپیتان کشتی در مقابل خدمه و به طور کلی همه مواردی که انتظار کمک را در طرف مقابل ایجاد می‌کند)، ایجاد اولیة خطر توسط شخص، پذیرش اختیاری مسئولیت مراقبت از دیگری و غیره باشد. به طور مثال، در موردی که دو کوه‌نورد با یکدیگر به کوه می‌روند، انتظار هریک از آنها این است که در صورت مواجه شدن با هرگونه خطری، مورد مساعدت طرف مقابل قرار گیرند (وجود رابطه خاص مبنی بر انتظار کمک از طرف مقابل). لذا عدم مساعدت در چنین مواردی موجب مسئولیت تارک فعل می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۲۷).

۲-۲. ناظر خاص در حقوق آمریکا

همانگونه که در قسمت قبل بیان کردیم در اکثر ایالات آمریکا وظیفه قانونی عام به علت تداخل با آزادی افراد و مبهم بودن دامنه این مسئولیت جرم‌انگاری نشده است. در خصوص جرم‌انگاری مسئولیت ناظر خاص نیز میان حقوقدانان آمریکا اختلاف نظر وجود دارد. طرفداران عدم جرم‌انگاری معتقدند افراد به علت رفتارهایی که انجام می‌دهند مسئولیت مدنی

یا کیفری دارند نه بخاطر کاری که ترک نموده‌اند. زیرا آنها با افعال خود ارزش‌های اخلاقی بیشتری را نقض می‌کنند. لذا اگر رهگذری کودکی را در حال غرق شدن در استخر کم عمق ببیند، از کنار او عبور کند و کودک غرق شود، مرتکب جرمی نشده است. زیرا وی سبب غرق شدن کودک نشده و اگر او نبود نیز کودک به همان صورت غرق می‌شد (Smith, 1984: 88). ضمن اینکه، محدودیت در آزادی شهروندان در جرائم مبتنی بر فعل کمتر از جرائم ترک فعل است. زیرا اگر به مردم گفته شود از کشتن دیگران اجتناب کنند، آزادی آنها کمتر محدود خواهد شد تا اینکه به آنها بگوییم از وقوع یک مرگ جلوگیری نمایند (حسینی، ۱۳۸۸: ۲). همچنین، یکی از شروط ضروری برای تحمیل مسئولیت کیفری به افراد، وجود رابطه علیت است و شخص به صرف عدم جلوگیری از آسیب نمی‌تواند علت حادثه باشد تا بتوان او را مسئول دانست (Husak, 1980: 320). بنابراین، تحمیل وظیفه بر افراد جهت اقدام به رفتاری به ضرر خود و به نفع دیگر افراد جامعه، یک نوع بردگی غیرارادی و خلاف اصول سنتی فردگرایی در آمریکا است (Scheid, 1969: 4).

در مقابل، موافقین جرم‌انگاری ترک فعل استدلال می‌کنند که الزام اشخاص برای جلوگیری از مرگ یا آسیب دیگران، بر این فرض اخلاقی استوار است که عدم جلوگیری از آسیب یا مرگ، معادل وارد کردن آن آسیب یا مرگ است و قوانین کیفری نیز افراد را از فعل یا ترک فعل خاصی منع نمی‌کنند، بلکه آنها را از ایجاد ضرر خاصی منع می‌نمایند. زیرا این احتمال وجود دارد که از ترک فعل یک شخص همان نتیجه ناشی از فعل حاصل شود. به همین جهت، هیچ مبنای قانونی و منطقی وجود ندارد که تقصیر افراد در پیشگیری از ورود ضرر از محدوده قانون خارج شود. لذا اگر رفتار شخص علت صدمه و ضرر وارد شده باشد، شخص مسئول می‌باشد (Benditt, 1982: 590).

در این راستا، در رویه قضایی ایالات آمریکا مسئولیت ناظر خاص در صورت وجود وظیفه خاص و رابطه علیت مورد پذیرش قرار گرفته است. منشأ وظیفه شخص برای کمک به فرد در معرض خطر از چند منبع حاصل می‌شود:

۱. ترک وظیفه ناشی از قانون؛ در بعضی موارد قانون وظیفه کمک به گروه‌های خاصی را بر عهده افراد قرار داده است. در این خصوص لازم نیست که وظیفه صرفاً توسط قانون مجازات

بر فرد تحمیل شده باشد. بلکه ممکن است فرد بر اساس حقوق مدنی موظف به انجام کاری باشد (Leavens, 1988: 556). قانون کیفری نمونه آمریکا نیز ناظر خاص را زمانی مسئول تلقی می‌کند که از وظیفه قانونی‌ای که برعهده او قرار گرفته تخطی نماید.

۲. ترک وظیفه ناشی از وجود رابطه خاص؛ در این مصداق، وجود رابطه میان متهم و قربانی منشأ ایجاد وظیفه است. مانند وظیفه والدین برای مراقبت و کمک به فرزندان. در این خصوص، حقوقدانان معتقدند نباید میان مسئولیت مادری که عمداً به کودک خود غذا نمی‌دهد و کودک می‌میرد و مادری که عمداً فرزند خود را مسموم می‌نماید تفاوتی قائل شد (Silver, 1985:111). به عنوان نمونه، در پرونده هاوارد، مادر به علت کوتاهی در محافظت از فرزند خود در مقابل ضرب و شتم و سوءاستفاده مکرر دوست پسرش، به قتل غیرعمد محکوم شد (Super.535 (1979) 402 a.2d 674 commonwealth (v.Howard)265 pa).

۳. ترک وظیفه ناشی از قرارداد؛ مسئولیت بر اساس تعهدی که فرد طی قرارداد برعهده گرفته بر او تحمیل می‌شود. در این خصوص می‌توان به مسئولیت پزشک و پرستار به مراقبت از بیماران اشاره نمود.

۴. ترک وظیفه ناشی از ایجاد خطر قبلی؛ اگر فرد با اقدام خود شخصی را در معرض خطر قرار دهد، موظف است اقدام لازم برای نجات وی را به عمل آورد (Rogers, 2014: 900). به عنوان نمونه، در پرونده جونز، دادگاه متهم را مسئول نجات جان دختر غرق شده دانست. زیرا قربانی پس از تجاوزی که از جانب متهم به وی شده بود (وجود خطر قبلی) به علت فرار از دست متهم در رودخانه افتاده بود (43 N.E.2d 1017, 1018, 1942).

۵. ترک وظیفه ناشی از تعهد داوطلبانه فرد برای نجات دیگری؛ این وظیفه ناظر به زمانی است که شخص خارج از قرارداد یا قانون، انجام کاری را برعهده می‌گیرد. در بسیاری از مواردی که وظیفه قانونی یا قراردادی یا رابطه خاص وجود ندارد، ترک این وظیفه می‌تواند برای شخص ناظر ایجاد مسئولیت نماید. عده‌ای معتقدند اگر اقدام داوطلبانه ناظر برای نجات فرد در معرض خطر نامناسب و نامعقول باشد و با این اقدام، قربانی در معرض خطر بیشتری قرار گیرد، وی در مقابل وضعیت قربانی مسئول می‌باشد. اما این انصاف نیست در جایی که وظیفه

قانونی عام برای کمک‌رسانی وجود ندارد، کسی را که برای نجات قربانی تلاش نمی‌کند، فاقد مسئولیت بدانیم، اما اگر کسی داوطلبانه اقدام به نجات کند، به علت عدم اقدام مناسب مسئول تلقی کنیم. به همین جهت، دکترین حقوقی، مسئولیت شخص ناظر را محدود به موقعیت‌هایی کرده‌اند که در آن ناظر به گونه‌ای عمل می‌کند که نه تنها مانع ارائه کمک سایر افراد به قربانی می‌شود، بلکه خود نیز اقدام معقول و مناسبی جهت کمک به وی ارائه نمی‌دهد و در نتیجه قربانی در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گیرد. زیرا ممکن است دیگر ناظران با اتکاء به اقدام فرد ناظر از کمک به قربانی خودداری نمایند (Carter, 2010: 143).

۶. ایراد صدمه سهل‌انگارانه توسط متهم؛ زمانی که یک شخص با عمل سهل‌انگارانه خود به دیگری صدمه می‌زند، باید اقدامات منطقی لازم را برای نجات قربانی و جلوگیری از آسیب شدیدتر انجام دهد (Robinson, 2005: 112). شایان ذکر است که تقصیر متهم، استثنائی بر فقدان وظیفه عمومی نیست. زیرا مطابق اصول کلی حقوق کیفری متهم مسئول صدمه‌ای است که با رفتار خود ایجاد کرده است.

۷. صدمات بدون تقصیر متهم؛ اگر متهم بدون هیچ‌گونه تقصیری، فردی را در معرض آسیب جدی مشاهده کند و امکانات یا مهارت لازم برای کمک به وی را نیز داشته باشد، باید وی را نجات دهد (Groninger, 1999: 357). به عنوان مثال، در پرونده آیرس دادگاه اظهار داشت هنگامی که انگشتان شاکی در پله‌برقی گیر کردند، متهم وظیفه نجات شاکی را بر عهده داشته است. زیرا اگرچه صدمه وارد شده بر شاکی به علت سهل‌انگاری خود او بوده است، به علت آنکه متهم وسایل لازم برای خاموش کردن پله‌برقی را در اختیار داشته باید به قربانی کمک می‌کرد (40N.E.2d 334 (Ind. 1942)).

شرط دوم برای تحمیل مسئولیت بر تارک فعل وجود رابطه علیت میان ترک فعل شخص و نتیجه مجرمانه است. مسئله یا مشکل اساسی در خصوص جرایم مبتنی بر ترک فعل وجود این رابطه سببیت است که این دشواری در خصوص جرایم مبتنی بر فعل وجود ندارد. بر این اساس، مطابق حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا، اگر شخصی وظیفه پیشگیری از آسیب یا صدمه‌ای را بر عهده داشته باشد اما در انجام آن تقصیر کند، در صورت وجود رابطه سببیت

عرفی میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه، شخص برای نتیجه حاصل از ترک فعل خود مسئول تلقی می‌گردد.

در مقام مقایسه با حقوق ایران باید بیان کرد در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا علی‌رغم عدم پیش‌بینی ناظر به معنی عام، دامنه مسئولیت ناظر خاص گسترده‌تر می‌باشد. توضیح آنکه مطابق حقوق ایران، ناظر به معنای خاص زمانی برای ترک فعل مسئول تلقی می‌گردد که وظیفه قانونی یا قراردادی را بر عهده داشته و با وجود توانایی برای انجام آن، از انجام وظیفه امتناع نماید. اما در حقوق آمریکا، مسئولیت ناظر خاص تنها محدود به وجود وظیفه قانونی یا قراردادی نیست، بلکه در تمام مواردی که ناظر در خصوص خطر پیش آمده برای قربانی تقصیری کرده باشد یا حتی در صورت عدم تقصیر، توانایی لازم برای دفع خطر را داشته باشد، اما در انجام این امر کوتاهی نماید، مسئول تلقی می‌گردد. این رویکرد حقوق آمریکا به علت توجه سیاستگذاران جنایی این کشور به تأمین منافع فردی افراد و احقاق حقوق قربانیان می‌باشد. اگرچه در حقوق ایران نیز شخصی که با تقصیر خود دیگری را در معرض خطر قرار داده باشد از باب تسبیب دارای مسئولیت کیفری می‌باشد، مطابق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی این امر محدود به وجود وظیفه قانونی و قراردادی است. با وجود این، مطابق قوانین ایران و آمریکا شرط لازم و ضروری برای تحمیل مسئولیت بر ناظر خاص، وجود رابطه سببیت عرفی میان ترک فعل و نتیجه مجرمانه می‌باشد. لذا در صورت عدم احراز رابطه سببیت حتی در صورت ترک وظیفه، ناظر مسئولیت کیفری ندارد.

نتیجه

مداخله ناظران یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی در جوامع محسوب می‌شود که سیاستگذاران جنایی با توجه به کارایی این نهاد در پیشگیری یا کاهش آسیب‌های ناشی از معضلات اجتماعی، آن را به رسمیت شناخته‌اند. اما رویکرد سیاستگذاران با توجه به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی حاکم بر هر جامعه متفاوت می‌باشد. در حقوق آمریکا به علت حاکمیت ارزش‌های استقلال، حریم خصوصی و آزادی فردی، سیاستگذاران تمایل کمتری به جرم‌انگاری مسئولیت ناظران عام نشان داده‌اند و معتقدند نباید الزام به رفتارهای اخلاقی را

در قالب قوانین جرم‌انگاری نمود و از این طریق مردم را ملزم به انجام رفتارهایی کرد که آزادی آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد. در این میان تنها چند ایالت وظیفه قانونی عام را به عنوان یک تخلف جزئی جرم‌انگاری نموده و مداخله افراد را در شرایط خاص مانند جایی که قربانی در معرض خطر مرگ یا آسیب جسمی شدید باشد الزامی دانسته‌اند. این در حالی است که در حقوق ایران با توجه به غلبه ارزش‌های دینی و اخلاقی در خصوص انجام رفتارهای نوع دوستانه، سیاستگذار کیفری ایران مداخله ناظران در مفهوم عام را به طور مطلق در تمام مواردی که قربانی در معرض خطر جانی (اعم از جزئی یا شدید) قرار دارد جرم‌انگاری نموده و تمام افراد جامعه را ملزم به کمک به این افراد نموده است.

در خصوص ناظر خاص، سیاستگذاران قضایی آمریکا علی‌رغم مخالفت‌هایی که با جرم‌انگاری این مسئولیت وجود دارد، رفتارهای مبتنی بر ترک فعل را در صورت وجود وظیفه و رابطه سببیت میان ترک فعل و نتیجه حاصله جرم‌انگاری نموده‌اند که همین رویکرد را حقوق ایران در خصوص مسئولیت ناظر خاص نیز اتخاذ نموده است، با این تفاوت که دامنه وظایفی که بر اساس آنها شخص ملزم به کمک می‌باشد در حقوق آمریکا گسترده‌تر بوده و در حقوق ایران مطابق قانون مجازات اسلامی محدود به وظایف قانونی و قراردادی است. البته دکتین حقوقی ایران معتقدند در موارد وجود رابطه عرفی نیز در صورت احراز رابطه سببیت، تارک فعل قابل مجازات می‌باشد.

با وجود این الزامات قانونی، متأسفانه مداخله در موقعیت‌های اضطراری به دلیل فقدان سیاست قانونگذاری جامع و کامل در خصوص مسئولیت ناظران کمتر مورد استقبال افراد جامعه قرار گرفته است. بدین جهت، به منظور گسترش و نهادینه کردن این فرهنگ در جوامع، قانونگذاران بایستی اولاً حدود و محور مسئولیت ناظران را به درستی و وضوح در قانون تعیین نمایند تا افراد با محدوده وظایف خود آشنایی داشته و بدانند در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری تا چه حد باید برای نجات جان قربانی یا فرد نیازمند کمک تلاش نمایند. ثانیاً قانونگذار باید در رویکردهای قانونی، از اشخاص ناظر حمایت لازم را به عمل آورد تا در صورتی که ناظران در فرآیند کمک‌رسانی به افراد در معرض خطر، متحمل آسیب یا خسارتی شدند، این خسارت از طرف جامعه جبران گردد.

Seyede Saedeh Hosseini  <http://orcid.org/0000-0002-9769-5771>

Seyed Mahdi Seyedzade Sani  <http://orcid.org/0000-0003-3097-8459>

Abdolreza Javanjafari  <http://orcid.org/0000-0002-9253-5330>

منابع

الف) فارسی

- ابن حزم، (۱۳۵۲)، *المحلی*، جلد ۱۰، انتشارات دارالاطباء منیره
کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۷)، *اصول کافی*، محقق: مهدی آیت اللهی، انتشارات جهان
آرا
کلارکسون، سی.ام.وی، (۱۳۷۴)، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه: حسین میرمحمدصادقی،
چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی
صانعی، پرویز، (۱۳۷۴)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج
دانش
فلچر، جورج، (۱۳۸۴)، *مفاهیم بنیادین حقوق کیفری* (ترجمه س.م. سیدزاده ثانی)، مشهد:
دانشگاه علوم اسلامی رضوی
میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۲)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ دوازدهم، انتشارات میزان
مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، داراحیاء اتراث العربی
نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چاپ سوم، دارالکتب
الاسلامیه
پوربافرانی، حسن، (۱۳۸۴)، "بررسی ترک فعل در قتل عمدی"، شماره ۵۲، *دردسی*
حسینی، محمد، (۱۳۸۸)، "مسئولیت مدنی شخص خوددار"
عباسی، محمود؛ احمدی، احمد و اله بداشتی، ندا، (۱۳۹۲)، "خودداری از کمک به
مصدومین و مسئولیت های ناشی از آن". *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۵۶-۲۹

غفاری فارسانی، بهنام، (۱۳۹۴)، "تکلیف به نجات جان افراد در معرض خطر و ضمانت اجرای آن در آرای فقهای امامیه"، شماره ۸۴، فصلنامه قضاوت، ۲۵-۴۷

لشنی پارسا، روح الله، (۱۳۸۷)، "پیشگیری و مقابله با جرم"، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال پنجم، شماره ۱۹

فروغی، فضل الله؛ باقرزادگان، امیر؛ میرزایی، محمد، (۱۳۹۵)، "واکاوی فقهی - حقوقی احکام وضعی - تکلیفی ترک فعل با توجه به رابطه استناد"، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم شماره ۴۵، ۸۹-۱۱۴

میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۵)، "مطالعه تطبیقی ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرایم علیه اشخاص"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، ۱۶۱-۱۳۳

مهر پور، حسین؛ تفرشی، محمد عیسی؛ ابدالی، مهرزاد، (۱۳۸۰)، "اجرای حقوقی اخلاق"، مدرس علوم انسانی، شماره ۴، زمستان ۸۰، ۱۲۵-۱۴۰

یزدیان جعفری، جعفر، (۱۳۹۳)، "بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر"، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۱۵-۱۴۷

ب) انگلیسی

- Bagby, Jennifer (2000), "justifications for sate bystander intervention statutes why crime witnwsses should be required to call for help", *Indiana Law Review*, 579-597.-Mccutcheon, Paul, (1995), "omission and criminal liability", 56-78
- Geis, Gilbert, (1983), "Bystander intervention into crime: public policy consideration" 398-408-; Ridolfi, Kathleen M. (2000), "Law, Ethics, and the Good Samaritan: Should There Be a Duty to Rescue?", 957-970
- Grush, Eric h. (1998), "the inefficiency of the no-duty-to-resue ruly and a proposed "similar risk" alternative" 881-900
- Benditt, Theodore M. (1982), "liability for failing to rescue" 391-418
- Freeman, samuel, (1994) criminal liability and the duty to aid the distressed. 1455-1492
- Silver, Jay, (1985), The Duty to Rescue: A Reexamination and Proposal, 423-448

- Schiff, Damien, (2005) Samaritans: Good, Bad and Ugly: A Comparative Law Analysis Roger Williams University Law Review: Vol.11: Iss. 1, Article 2.
- Husak, Douglas N., (1980), Omissions, Causation and Liability, The Philosophical Quarterly, Vol. 30, No. 121 (Oct., 1980), pp. 318-326
- Smith, J. C. (1984), Liability for omissions in the criminal law, 89-101
- Scheidt, John H. (1969), Affirmative Duty to Act in Emergency Situations - The Return of the Good Samaritan, The John Marshall Law Review, 1-16
- Leavens, Arthur, (1988), A Causation Approach To Criminal Omissions, by California Law Review, 547-591
- Carter, McCall C. (2010), Morality, Law and the Duty to Act: Creating a Common Law Duty to Act Modeled After the Responsibility to Protect Doctrine, 138-164
- Robinson, Paul H. (2005), Criminal Liability for Omissions: A Brief Summary and Critique of the Law in the United States, 101-125
- Groninger, Jennifer L. (1999), No Duty to Rescue: Can Americans Really Leave a Victim Lying in the Street? What Is Left of the American Rule, and Will It Survive Unabated, 353-377
- Jay Logan, Rogers, (2014), testing the waters for an arizona duty-to-rescue law, 898-923
- Darley, J. M., & Latane, (1986) Bystander intervention in emergencies: Diffusion of responsibility, Journal of Personality and Social Psychology, 8, 377-383.
- Kassin, Saul M. (2017), The Killing of Kitty Genovese: What Else Does This Case Tell Us? Perspectives on Psychological Science Vol. 12(3) 374-381
- Swan, Sarahl, (2015) Bystander intervention Wisconsin law review, 975-1047
- Ibn Hazm (1973), al-Mahli, volume 10, Dar al-Atba Munira publications. (In Persian).
- Kolini, Mohammadebn Yaqub, (2008), Usul Kafi, researcher: Mehdi Ayatollahi, Jahanara Publications. (In Persian).
- Clarson, C.M.V. (1995), Analysis of the Basics of Criminal Law, translated by: Hossein Mirmohammad Sadeghi, second edition, Tehran: Shahid Beheshti Academic Jahad Publications. (In Persian).

- Sanei, Parviz, (1995), General Criminal Law, Volume 1, 6th Edition, Tehran: Ganj Danesh Publications. (In Persian).
- Fletcher, George. (2005). Fundamental concepts of criminal law (translated by S. M. Seyedzadeh Sani). Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences. (In Persian).
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (2012), Crimes against individuals, 12th edition, Mizan Publications. (In Persian).
- Majlesi, Mohammad Baqer, (1403), Baharolanwar, Darahiya Atrat alrabi. (In Persian).
- Najafi, Mohammad Hassan, (1988), Javaher al-Kalam fi Sharh Shariah al-Islam, third edition, Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian).
- Pourbafarani, Hassan, (2004), "Investigation of omission in intentional murder", No. 52, Dardesi. (In Persian).
- Hasani, Mohammad, (2009), "Civil responsibility of self-controlled person". (In Persian).
- Abbasi, Mahmoud; Ahmadi, Ahmad and Elah Badashti, Neda, (2012), "refusal to help the injured and the resulting responsibilities". Medical Law Quarterly, 29-56. (In Persian).
- Ghafari Farsani, Behnam, (2014), "The duty to save the lives of people at risk and the guarantee of its implementation according to the opinions of Imamiyya jurists", No. 84, Judiciary Quarterly, 25-47. (In Persian).
- Leshani Parsa, Ruhollah, (2007), "Prevention and Coping with Crime", Bimonthly Journal of Police Human Development, Year 5, Number 19. (In Persian).
- Foroughi, Fazlullah; Bagherzadegan, Amir; Mirzaei, Mohammad, (2015), "Jurisprudential-legal analysis of conditional-obligatory sentences of leaving the verb according to the reference relationship", Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly, 11th year, number 45, 89-114. (In Persian).
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (2006), "Comparative study of omission as a material element of crimes against individuals", Journal of Legal Research, No. 41, 161-133. (In Persian).
- Mehrpour, Hossein; Tafarshi, Mohammad Isa; Abdali, Mehrzad, (2001), "Legal enforcement of ethics", Modares Humanities, No. 4, Winter 80, 125-140. (In Persian).
- Yazdian Jafari, Jafar, (2013), "Investigating the crime of refusing to help people at risk", Medical Law Quarterly, 115-147. (In Persian).

استناد به این مقاله: حسینی، سیده ساعده؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی و جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا. (۱۴۰۱).
بررسی تطبیقی مداخله ناظران در حقوق ایران و آمریکا. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۰(۳۹)، ۷۱-۱۰۰. doi:
10.22054/jclr.2022.55767.2225



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

